

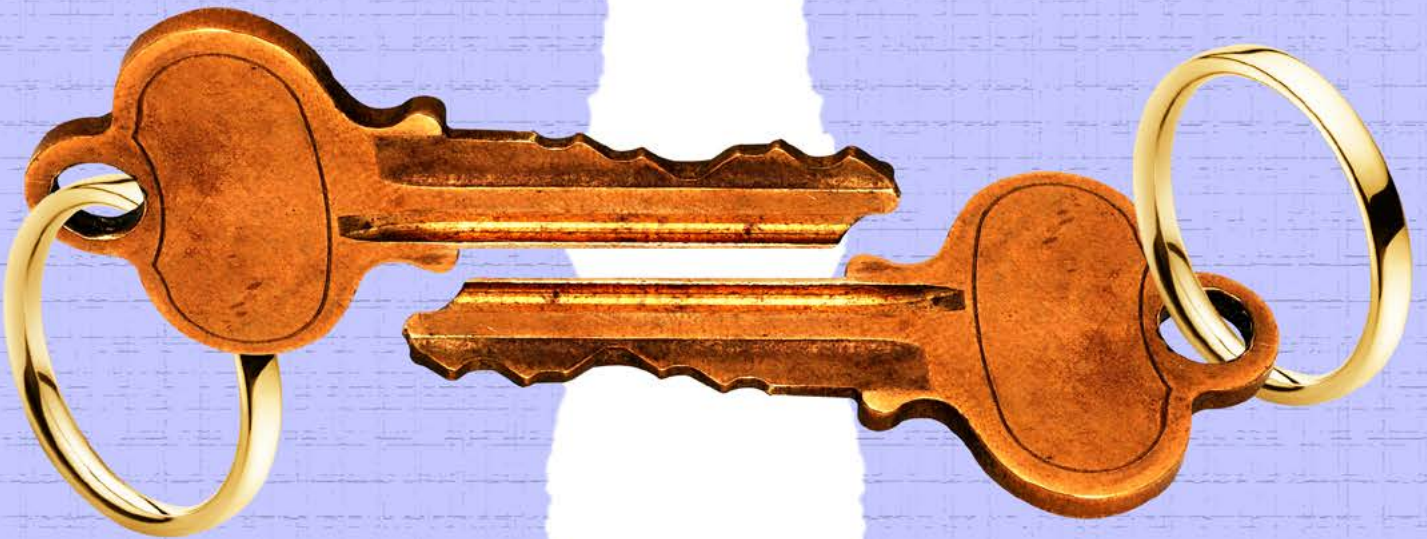
ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۴۳

۲۵ آبان ۱۳۹۵ / ۱۵ نوامبر ۲۰۱۶



حق طلاق برابر



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: آیدا قجر

تحریریه: نعیمه دوستدار، علی مهتدی، کامبیز غفوری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

هزارتوی طلاق؛ در کشاکش قانون و عرف



نابرابری طلاق در قوانین ایران



طلاق در کشورهای اسلامی؛ قوانین مشابه در سایه  
افزایش روزانه آمار طلاق



سنگلاخ طلاق پیش پای زنان: مهرم حلال، جانم آزاد



تراژدی جدایی؛ پاهای زنجیرشده زنان



حق طلاق مدنی، لرزه بر قوانین کلیسای کاتولیک



روایت‌هایی از #حق\_طلاق



## هزار توی طلاق؛ در کشاکش قانون و عرف



آیدا فجر

طرفه بودن آن را در ایران دریافت. انحصاری که قانونی و عرفی در اختیار مردان قرار گرفته و زمانی که صحبت از برابر شدن آن به میان می‌آید، قانون مقابلش می‌ایستد و عرف هم تمام‌قد حق طلاق را برای زنان «عیب» می‌پندارد. از نظر قانونی و فقهی که در این شماره از نشریه به آن کامل پرداخته‌ایم، حق طلاق با مردان است. در مقابل زنان می‌توانند با شروط ضمن عقد و امضای آن در دفترخانه‌ها - اگر مقاومت یا تبانی از سوی محضر دار ایجاد نشود - از طرف همسرشان وکالت طلاق بگیرند. البته این اتفاق در شرایطی می‌افتد که دختر و خانواده‌اش هم به برابری حقوق واقف باشند و از شرایط برقراری شروط ضمن عقد مطلع.

وقتی صحبت از طلاق می‌شود، جدای از آماری که هر روز بالاتر می‌رود، با نگاهی به قوانین و فقه شیعه می‌توان یک

طبق آمار مرکز ثبت احوال ایران در سال ۱۳۹۴ در مجموع ۱۶۳۷۶۵ طلاق در ایران اتفاق افتاده که ۱۴۶۷۱۴ مورد آن شهری و ۱۷۰۶۱ مورد روستایی بوده است. بیشترین آمار با ۳۰۴۵۹ مورد به استان تهران تعلق دارد که ۳۰۳۸۵ مورد در حوزه شهری و ۷۴ مورد در حوزه روستایی بوده است. کم‌ترین میزان طلاق نیز در استان ایلام اتفاق افتاده یعنی در مجموع ۷۴۳ مورد که ۶۰۳ مورد آن شهری و ۱۴۵ مورد روستایی بوده است.

تنها در آذر ماه سال جاری ۱۳۲۵۵ طلاق در ایران به ثبت رسیده که باز هم بیشترین آن در تهران با ۲۸۷۲ مورد و کمترین آن در ایلام با ۶۲ مورد رخ داده است. شاخص‌های دیگری نیز برای ارزیابی طلاق در ایران موجود است؛ مثل سن طلاق. طبق همین آمار بیشترین طلاق‌ها در ایران بین سنین ۲۵ - ۲۹ سالگی رخ می‌دهد که در سال ۹۴ آمار آن ۱۶۲۸۶ مورد بوده و در ۹ ماهه سال ۱۳۹۵ در همین مقطع سنی و ۱۳۲۴۵ مورد اتفاق افتاده است. در عین حال در سال ۱۳۹۴ بیشترین طلاق در نخستین سال ازدواج رخ داده با آمار ۲۱۴۵۱ مورد که ۱۸۷۷۷ مورد در شهر و ۲۶۷۳ مورد در روستا بوده است. بیشترین طلاق در ۹ ماهه نخست سال جاری ۱۶۱۷۱ مورد برآورد شده که آن‌هم متعلق به زوج‌هایی است که کمتر از یکسال با هم زندگی مشترک داشتند. در حوزه شهری ۱۳۸۷۰ مورد داریم و در حوزه روستایی ۱۳۰۱ مورد.

شاخص قابل توجه دیگر در ارزیابی طلاق، اختلاف سن افراد است. طبق همین آمار در سال گذشته ۸.۹۳ درصد طلاق‌ها میان زوج‌هایی اتفاق افتاده که اختلاف سنی‌شان ۴ سال بوده است؛ یعنی ۱۴۶۲۳ مورد. همین آمار در ۹ ماهه نخست سال جاری خبر می‌دهد که بیشترین طلاق بین زوج‌های همسن و بدون اختلاف سنی رخ داده و ۱۰.۹۲ درصد کل طلاق‌ها را شامل می‌شود؛ یعنی ۱۴۹۲۵ مورد.

مقایسه آماری سال گذشته و ۹ ماه نخست سال جاری نشان می‌دهد که نه تنها آمار طلاق همان‌طور که مسوولان را نگران کرده بالاتر می‌رود، بلکه بیشتر طلاق‌ها در جامعه شهری اتفاق می‌افتد. یعنی در محیطی که دانشگاه، رسانه، اینترنت و جهان مدرن کمی جای خود را باز کرده. یعنی آگاهی توانسته از تن دادن به زندگی‌های ناموفق بکاهد و دیگر ضرب‌المثل‌هایی چون «لباس سفید» رفتن و با «کفن» برگشتن جایی

نداشته باشد.

در این میان اما حق طلاق برای زنان همچنان در قانون و عرف جای نیافتاده است. جدای از قوانین که در ایران منشا آن فقه شیعه است، در عرف نیز حق طلاق به عنوان حقی برابر میان زن و مرد شناخته نمی‌شود. بسیاری از خانواده‌ها، مادرها و خود دخترها که قرار است ازدواج کنند، گرفتن چنین حقی را حتی «توهین» به مرد و خانواده‌اش می‌دانند. البته لازم به ذکر است که در نسبت با گذشته، حتما پیشرفت‌های بسیاری حاصل شده و دختران و پسران بسیاری هستند که نه تنها موافق حق طلاق‌اند بلکه سختی ثبت شروط ضمن عقد را هم به جان می‌خرند تا برابری جنسیتی در این خصوص حاصل شود.

در مقابل مردان چنین حقی را از پیش داشته‌اند و معمولاً وقتی با مساله حق طلاق برای زنان روبه‌رو می‌شوند دافعه گرفته و خانواده دختر را متهم می‌کنند که از ابتدای ازدواج، به طلاق می‌اندیشند. در حالی که اکثریت زنان زمانی از حقوق تضییع شده خود مطلع می‌شوند که پای‌شان به دادگاه و دستگاه قضایی می‌رسد.

از سوی دیگر بنا به تصورات بسیاری، حق طلاق مقابل مهریه قرار گرفته است. حتی حقوق‌دانانی هم هستند که انگیزه قانون‌گذاران را تقابل این دو می‌دانند. در حالی که مهریه صرفاً مساله مالی را در برمی‌گیرد و طلاق، آزادی پس از ازدواج را. راهکاری که مقابل برداشته شدن مهریه و معامله‌گونگی ازدواج در دنیای مدرن جا افتاده، تقسیم اموال پس از طلاق است و مقابل حق طلاق برای مردان که از پیش تعیین شده، حق طلاق زنان قرار می‌گیرد. تقابل این دو ناشی از تفکر مردسالارانه‌ای است که چنین اصلی را همچنان در فرهنگ جامعه ایران و قوانین آن نادیده گرفته است.

از همین رو، اعتقاد به برابری جنسیتی می‌تواند برای هر نابرابری، وضعیت تساوی ایجاد کرده و راهکاری که پیش‌تر در کشورهای نسبتاً دموکرات به انجام رسیده را تعیین کند. مساله اما از یک طرف دستگاه قضایی است که قوانین را صرفاً بر اساس فقه شیعه تعیین می‌کند و دیگری جامعه و عرف که همچنان طلاق را عیب می‌پندارد.

در این شماره از نشریه حقوق ما سعی کردیم با بررسی قوانین، تاریخچه و جامعه ایران، نشان دهیم که اهمیت این حق تا کجاست و چرا از زنان دریغ می‌شود.



محمد اولیایی فرد

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در اولین مقررات راجع به طلاق در سال ۱۳۱۳ مقرر داشت: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن را طلاق دهد.» طبق این ماده تنها محدودیت اختیار مرد در طلاق، به طور عمده به مقررات شرعی باز می‌گشت، یعنی: ۱- اجرای صیغه طلاق، به لفظ خاص، ۲- وقوع طلاق در طهر غیر مواقعه ۳- حضور دو شاهد عادل.

بنابراین مردان بدون مراجعه به دادگاه، می‌توانستند زنان خویش را طلاق دهند. متعاقب تحولات اجتماعی در ایران و مطرح شدن حقوق زنان در کشور در سال ۱۳۴۶ اولین قانون حمایت خانواده در همین سال به تصویب رسید. به موجب این قانون، مراجعه به دادگاه حتی در مورد زوجینی که برای طلاق توافق داشتند ضروری اعلام شد. همچنین بر اساس قانون مذکور، موارد موجبات طلاق برای زنان افزایش پیدا کرد. به عبارتی دیگر، حق زنان برای طلاق در مقایسه

با قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ فزونی یافت. از جمله طبق این قانون مقرر شد که هرگاه زوج بدون رضایت زوجه، همسر دیگری اختیار کند، زوجه حق طلاق خواهد داشت.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ اما تحولی جدی در زمینه حمایت مالی از زن حین طلاق در برداشت. با این حال در قانون مذکور حق طلاق برای زن و مرد به صورت نسبی مطرح شد. البته به موجب این قانون اختیار مرد در دادن طلاق کماکان به رسمیت شناخته شده بود. به همین جهت با تصویب قانون مذکور، نسخ یا عدم نسخ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مورد اختلاف حقوقدانان قرار گرفت. با شتاب گرفتن تحولات اجتماعی در ایران، مقنن با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ موجبات طلاق را در چهارده بند احصا کرد و بدین ترتیب برابری زن و مرد در حق طلاق در مقایسه با گذشته افزایش یافت. این قانون اگر چه برخی ابهامات قانون قبلی را برطرف کرد اما ابهام در مورد نسخ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی کماکان در این قانون نیز ادامه داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص در سال ۱۳۵۸ موجبات طلاق در قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نسخ و با توجه به تبصره ۲ ماده (۳) این لایحه که مقرر می‌داشت: «موارد طلاق همان

## نابرابری طلاق در قوانین ایران

است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده است.» ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ در خصوص موجبات طلاق و نیز عدم صراحت در حق طلاق مردان در این قانون، برطرف شد. در واقع با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص در سال ۱۳۵۸ به اختلاف دیرینه در مورد نسخ یا عدم نسخ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی پایان داده شد و این لایحه ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در مورد حق طلاق مردان را مجدداً احیا کرد.

در سال ۱۳۷۱ نیز ماده واحده اصلاح مقررات طلاق به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. در این ماده واحده حقوق مالی و تضمین‌های جدیدی برای زنان در صورت درخواست طلاق از طرف زوج، پیش‌بینی شد. مقررات ماده واحده اصلاح مقررات طلاق در خصوص حقوق مالی زنان شامل مهریه، نصف دارایی زوج یا اجرت المثل و نحله در صورت درخواست طلاق از طرف زوج، مطابق ماده واحده اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌بایست پرداخت شود. اما این بدان معنا نیست که زنان هیچ ابزار و امکانی برای طلاق در اختیار نداشته باشند. تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در این خصوص مقرر کرده است: «زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ این قانون؛ از دادگاه تقاضای طلاق نماید.»

به هم ریزد. دوم این که طلاق پیامدهای مالی بسیاری به دنبال دارد؛ از جمله پرداخت مهریه و نفقه زمان عده و مسکن زن در مدت عده. چون این تکالیف به عهده مرد است، سبب می‌شود که او در مورد طلاق بیشتر بیندیشد و برای حفظ پیوند زناشویی تلاش بیشتری داشته باشد؛ ولی زن که این تکالیف مالی را بر عهده ندارد، ممکن است زود تصمیم‌گیری کند.

با این حال علی‌رغم این‌که مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی حق طلاق در اختیار مرد است و حقوق مالی زنان شامل مهریه، نصف دارایی زوج یا اجرت المثل و نحله در صورت درخواست طلاق از طرف زوج، مطابق ماده واحده اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌بایست پرداخت شود. اما این بدان معنا نیست که زنان هیچ ابزار و امکانی برای طلاق در اختیار نداشته باشند. تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در این خصوص مقرر کرده است: «زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ این قانون؛ از دادگاه تقاضای طلاق نماید.»

به بیان ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد دیگر بنمایند. مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر، زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود، یا ترک انفاق نماید، یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند، یا سوءرفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد.» یعنی زن از طرف مرد وکیل شود که فردی را وکیل نماید تا از جانب شوهر او را طلاق دهد. ماده ۱۱۲۹ ق.م نیز اظهار کرده است: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کرده و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.»

در ماده ۱۱۳۰ ق.م نیز آمده است: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانکه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.» طبق تبصره این ماده عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه‌ی زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب

در حال حاضر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱ مقرر می‌کند: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.» مستند شرعی این ماده قانونی آیات قرآن کریم است، سوره‌ی بقره، آیات ۲۳۱ و ۲۳۷ همچنین سوره‌ی احزاب، آیه ۴۹ در قرآن در بیان احکام مربوط به طلاق همگی خطاب به مردان بوده و حق طلاق به‌عنوان اصل اولی، را در اختیار مردان قرار داده است. حدیث «الطَّلَاقُ بَیْدٌ مِنْ أَحَدٍ بِالسَّاقِ» از پیامبر اسلام نیز صریح‌ترین حدیثی است که برای اثبات اختیار مرد بر امر طلاق به آن استناد می‌شود. اما حکمت قرار گرفتن اختیار و حق طلاق در دست مرد از نظر فقها علی‌رغم این‌که زن در عقد نکاح شریک مرد است، حفظ کانون خانواده و جلوگیری از گسستن سریع آن است؛ زیرا مرد که مهریه پرداخت کرده و ملزم به دادن نفقه است، معمولاً بیشتر عاقبت‌اندیش و نگران از بین رفتن نکاح است؛ از این رو به دو جهت سزاوارتر است که حق طلاق به او سپرده شود.

اول این که زن به حسب فطرت خویش از احساسات و عواطف بالاتری برخوردار است و اگر حق طلاق در اختیار او باشد، ممکن است با کم‌ترین رنجشی پیوند زناشویی را



می شود: ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوءرفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵- ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هرعارضه‌ی صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل کند.

موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر کند.

به این ترتیب علی‌رغم اختیار بیشتر و گسترده‌تر مرد در طلاق، مطابق موارد مذکور، زن نیز در طلاق از اختیارات اندکی برخوردار است. ضمن آن که زن می‌تواند با شرط ضمن عقد ازدواج یا شرط ضمن عقد لازم دیگری مقرر کند تا از جانب شوهر وکیل باشد که هر زمان خواست، خودش طلاق را واقع کند. وکالت زن از طرف شوهر برای طلاق موضوعی است که از طرف بسیاری از فقها پذیرفته شده و مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، نیز امری قانونی است. علاوه بر موارد فوق، در طلاق خلع زن با جبران خسارت مالی که شوهر در ازدواج متحمل شده، می‌تواند از همسرش جدا شود.

طلاق خلع هم از موارد اختیار زن در طلاق محسوب می‌شود. ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی در این خصوص بیان کرده است: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد، اعم از این که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.»

بنابراین مطابق قانون در طلاق خلع که زن فقط به دلیل کراهت از شوهر خود، متقاضی طلاق است، حق جدایی از همسر خود را دارد. فقط از آن جایی که دلیلی بر وارد آمدن خسارت مادی به شوهر وجود ندارد، زن باید ضررهای مالی وارد آمده به شوهر را جبران کند. در قانون مدنی علاوه بر طلاق خلع که یک‌جانبه و به تقاضای زن می‌باشد، طلاق مبارات نیز پیش بینی شده است که علاوه بر زن، شوهر نیز خواهان جدایی از همسر خود است.

ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی در این خصوص بیان کرده است: «طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد، ولی در

این صورت، عوض نباید زائد بر میزان مهر باشد.» نابراین طلاق مبارات اساساً بر دو گونه است ۱- هر دو از یکدیگر کراهت داشته و مایل به زندگی مشترک نیستند. ۲- توافق زن و شوهر به جدایی بدون آن که کراهت وجود داشته باشد.

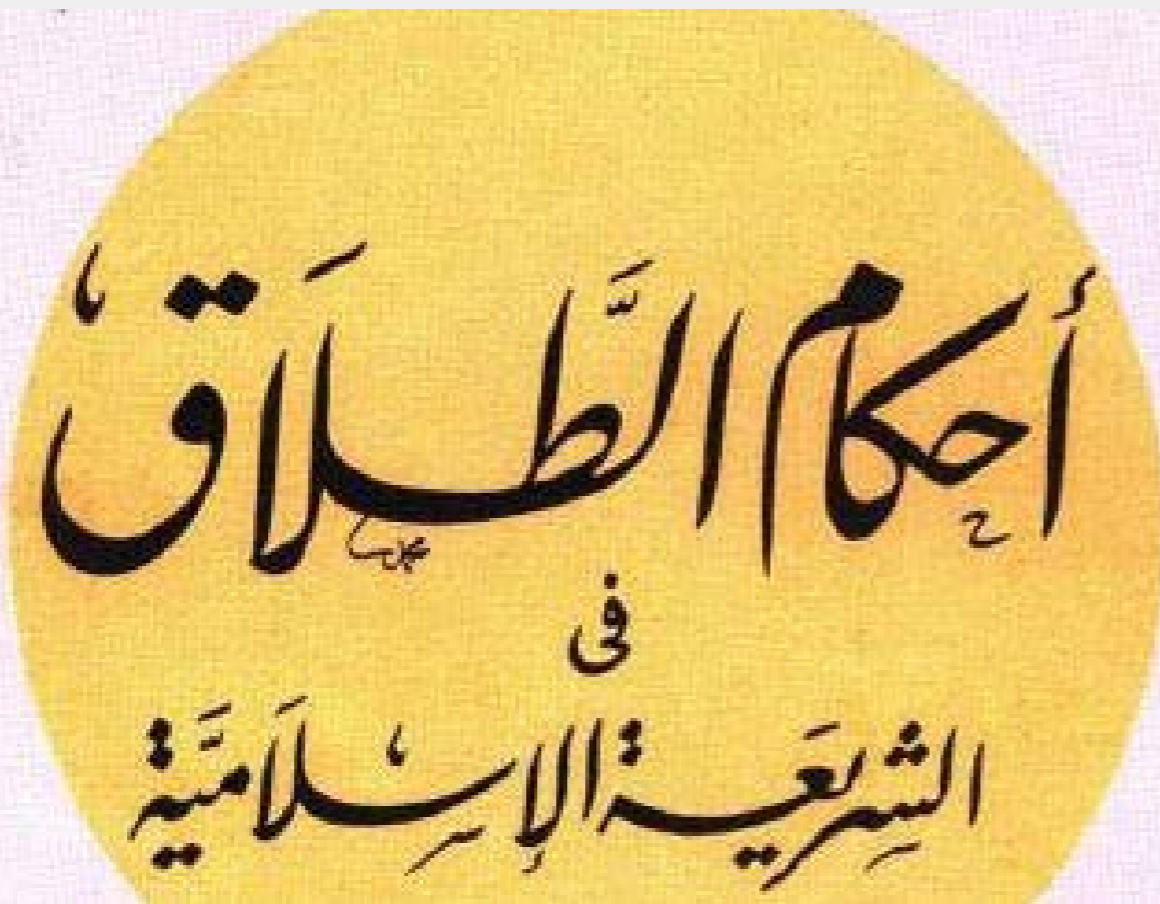
نتیجه اینکه: هر چند در مقابل ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که حق طلاق را به مردان داده، زنان نیز با استفاده از مواد ۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۹ این قانون و همچنین با استفاده از طلاق خلع و مبارات ابزار و امکانی برای طلاق در اختیار دارند اما این نابرابری آن‌جا چشم‌گیر می‌شود که مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اختیار طلاق در دست مرد قرار دارد. در واقع مرد هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد و در این خصوص ملزم نیست جهت یا دلیل خاصی را برای تصمیم خود نسبت به طلاق ذکر کند. تنها محدودیت مرد در اختیار مطلق در طلاق جدا از شرایط اجرای طلاق (۱- اجرای صیغه طلاق، به لفظ خاص، ۲- وقوع طلاق در طهر غیر مواقعه ۳- حضور دو شاهد عادل) از لحاظ شکلی است که طبق قانون مرد نمی‌تواند راساً زن خود را طلاق دهد. بلکه برای این موضوع باید به دادگاه رجوع کند هر چند به نظر میرسد اگر مردی بدون مراجعه به دادگاه با ملاحظه شروط ماهوی صحت طلاق طبق قانون مدنی زن خود را طلاق دهد؛ طلاقش شرعاً صحیح و معتبر است.

به این ترتیب می‌توان گفت در حقوق ایران، عملاً، محدودیتی در اعمال اختیار مطلق طلاق برای مرد وجود ندارد. در حالی که زن اگر متقاضی طلاق باشد، علاوه بر آن که باید به دادگاه مراجعه کند، درخواست طلاق خود را نیز باید در قالب یکی از موارد خاص پیش بینی شده در قانون مدنی، یعنی ترک انفاق (ماده ۱۱۲۹) یا عسر و حرج (ماده ۱۱۳۰) مطرح و آن را ثابت کند. یا در ضمن عقد بر شوهر شرط یا شروطی کرده (ماده ۱۱۱۹) و وکالت گرفته که در صورت تخلف از آن شروط خود را مطلقه و در دادگاه، اخذ وکالت و تخلف از شرط را اثبات کند تا موفق به اخذ گواهی عدم امکان سازش شود. چنانچه زوجه بخواهد از طلاق خلع یا مبارات استفاده کند باید با بخشیدن مهریه یا بدل مال دیگری به شوهر، موافقت او را برای طلاق جلب کند. طبعاً اگر شوهر حاضر نشد با گرفتن مال، زن را طلاق دهد، گواهی عدم امکان سازش صادر نخواهد شد. و این بدین معناست که زن حتی در صورت کراهت از مرد مجبور است با او به زندگی مشترک ادامه دهد مگر اینکه مرد در مقابل دریافت عوضی به میزان مهر یا زائد بر آن با طلاق زن موافقت کند.

## طلاق در کشورهای اسلامی؛ قوانین مشابه در سایه افزایش روزانه آمار طلاق



علی مهتدی



طلاق در اسلام به مفهوم جدایی زوجین از یکدیگر است. علمای فقه، طلاق را «باطل کردن عقد نکاح به شکل صریح یا از طریق کنایه با نیت طلاق» تعریف کرده‌اند، به این مفهوم که مرد می‌تواند با بر زبان آوردن کلمات یا جملاتی که دال بر نیت او بر جدایی از همسرش باشد، طلاق را جاری کند. به عنوان مثال در فقه اگر مردی به همسر خود بگوید که «به منزل خانواده خود برو» یا «من دیگر با تو کاری ندارم» و در دل نیت طلاق داشته باشد، جدایی حاصل شده است. اسلام حق طلاق را در اختیار مرد قرار داده؛ چرا که فقه اسلامی، مردان را دارای ثبات احساسات بیشتری نسبت به زنان می‌داند. با این حال، اسلام طلاق را مکروه قلمداد کرده

و آن را در شرایط خاصی قابل اجرا می‌داند. اکثر کشورهای اسلامی، قوانین حقوقی مربوط به طلاق را بر اساس قوانین و احکام اسلام تنظیم کرده‌اند و هر چند که در عصر جدید فشارهایی بر این کشورها برای تغییر قوانین اعمال می‌شود، اما قانون‌گذاران در بیشتر کشورهای اسلامی این فشارها را تلاشی برای تغییر فرهنگ خود تلقی کرده و در برابر آن مقاومت می‌کنند. مصر پس از انقلاب علیه حسنی مبارک جزو کشورهایی بود که فشارهای خارجی و حتی داخلی برای تغییر قوانین طلاق را نپذیرفت و در قوانین جدید خود نیز به احکام اسلامی استناد کرده است. در فقه اهل سنت اختلاف‌هایی در مورد طلاق وجود دارد.

برخی از فقها از جمله حنبلی‌ها، طلاق را مکروهی نزدیک به حرام دانسته و معتقدند از آن جایی که پیامبر اسلام به صراحت گفته که مومن نباید ضرر برساند یا خود را در موقعیت ضرر کردن قرار دهد، طلاق را ضرر تلقی کرده و آن را خلاف دستور صریح پیامبر می‌دانند. در عین حال، برخی دیگر از فقها، طلاق را امری مباح و بدون کراهت دانسته و به آیه ۲۳۶ سوره بقره استناد می‌کنند که طلاق را در شرایط خاصی جایز دانسته است.

فقه اسلام درجات مختلفی را برای طلاق تعیین کرده است: - اگر هنگام طلاق، زن در شرایط حیض باشد، طلاق حرام است.

- اگر دلیل کافی برای طلاق وجود نداشته باشد، مکروه است. فقها در این زمینه اختلاف دارند. برخی معتقدند در صورت عدم وجود ادله کافی، طلاق حرام است و برخی دیگر بر کراهت آن تاکید دارند.

- اگر یک حکم از خانواده زن و یک حکم از خانواده مرد حکم به طلاق دهند، واجب است.

- اگر زن «پاک‌دامن» نباشد، طلاق ضرورت دارد.

- اگر مرد از زندگی با زن راضی نباشد، طلاق جایز است.

انواع طلاق در اهل سنت

در فقه اهل سنت که خاستگاه قوانین حقوقی کشورهای اسلامی است، طلاق انواع مختلفی دارد. در برخی موارد، طلاق قابل بازگشت است، در برخی دیگر موقت و در مواردی طلاق

دائمی است.

### طلاق رجعی

در این نوع از طلاق کافی‌ست که مردی یک بار به همسرش بگوید که او را طلاق داده است و در دل نیز نیت جدایی داشته باشد. در این صورت، اظهار نظر مرد برای جدایی کافی‌ست و طلاق جاری می‌شود، ولی مرد می‌تواند قبل از خاتمه سه ماه کامل، هر زمان اراده کرد بدون جاری کردن عقد یا تعیین مهریه به زن بازگردد. با این حال اگر بین زن و شوهری دو بار طلاق رجعی رخ دهد، بار سوم دیگر غیر قابل بازگشت است و تنها در صورتی مرد می‌تواند به همسر خود بازگردد که زن با فرد دیگری ازدواج کرده و از او جدا شود.

به عنوان نمونه، در ماده ۱۲۲ قانون حمایت از خانواده مراکش ذکر شده که هر گونه طلاقی که در دادگاه ثبت شود، طلاق رجعی محسوب می‌شود، مگر این‌که یکی یا بیشتر از شروط زیر را داشته باشد:

- مرد سه بار از همسر خود جدا شده باشد.

- طلاق توافقی (خلع) باشد و زن برای جدایی هزینه‌ای مادی داده باشد.

- طلاق قبل از نخستین آمیزش جنسی بین زوجین رخ داده باشد.

- سه ماه از طلاق گذشته باشد.

### طلاق بینونه کبری

این نوع از طلاق، غیر قابل بازگشت است و برای تحقق آن مرد عاقل و بالغ باید سه بار همسر خود را طلاق دهد. این تیمیه از فقهای اهل سنت معتقد است که برای تحقق این نوع از طلاق، مرد باید سه بار در سه زمان و مکان متفاوت عبارت طلاق را بر زبان بیاورد و نیت‌اش هم همان باشد؛ در غیر این صورت طلاق بینونه صغری محسوب شده و قابل بازگشت است.

راه دیگر تحقق این طلاق این است که مرد یک بار همسر خود را طلاق داده و ظرف سه ماه به او بازنگردد.

### طلاق خلع

طلاق خلع، توافقی میان مرد و زن برای خاتمه دادن به ازدواج است، به شرطی که زن برای جدایی هزینه‌ای بپردازد. معمولاً این هزینه، بخشیدن بخشی یا همه مهریه تعیین شده موقع ازدواج از طرف زن است. فقهای اسلام معتقدند که طلاق خلع، راهی است که اسلام پیش پای زنان نهاده تا بتوانند در شرایطی که حق طلاق به شکل کلی در اختیار مرد است، از همسر خود جدا شده و زندگی دیگری را در پیش بگیرند.

### طلاق غیابی

طلاق غیابی توسط قاضی شرع جاری می‌شود و شرایط مختلفی دارد. اگر مرد ناپدید شود، اسیر باشد، بیشتر در سفر باشد یا همسر خود را برای مدت طولانی بدون پرداخت

نفقه رها کند، قاضی می‌تواند بعد از اطمینان حاصل کردن از شرایط زن، حکم طلاق را به شکل غیابی جاری کند. در برخی از کشورهای اسلامی مانند اردن که جامعه هنوز هم شکل قبیله‌ای دارد، حکم طلاق در صورت شکایت عمو، برادران یا عموزادگان زن جاری می‌شود؛ به این شرط که دختر عرب با رضایت پدرش به عقد مردی غیر عرب درآمده باشد و عمو، برادران یا عموزادگان وی به قاضی شکایت کنند.

### طلاق تفویض

از آن جایی که در اسلام حق طلاق کاملاً در اختیار مرد است، از نظر حقوقی نیز قوانین به گونه‌ای تنظیم شده که تنها مردان می‌توانند برای طلاق به دادگاه مراجعه کنند، مگر در شرایطی که مرد در زمان ازدواج «حق قانونی خود در طلاق را به زن تفویض کرده باشد» بدین مفهوم که به زن وکالت داده باشد تا هر زمان بخواهد از حق طلاق استفاده کند. در این شرایط، مرد از نظر قانونی حقی برای درخواست جدایی ندارد و حقوق قانونی خود را کاملاً به زن واگذار کرده است.

قوانین طلاق در کشورهای اسلامی در این زمینه تاکید دارد که وکالت دادن به زن با تفویض تفاوت دارد. اگر مردی برای طلاق به زن وکالت داده باشد، هر گاه بخواهد می‌تواند این وکالت را پس گرفته و فرد دیگری یا خودش را وکیل طلاق کند؛ ولی در صورتی که حق طلاق را به زن تفویض کرده و در شروط عقد ذکر کرده باشد، آن گاه بدین مفهوم است که از



حق به شکل کاملاً گذشته و نمی‌تواند در این رابطه زناشویی مستقل از زن برای طلاق اقدام کند.

### عوامل و آمار طلاق در برخی کشورهای اسلامی عربستان

بر اساس آمار اعلام شده از طرف وزارت دادگستری عربستان در سال ۲۰۱۵ هر ساعت هشت مورد طلاق (۱۸۸ طلاق در روز) در این کشور ثبت می‌شود. وضع مالی خوب جزو مهم‌ترین دلایل طلاق در عربستان محسوب می‌شود، به طوری که سرانه درآمد بالا و افزایش آگاهی‌های عمومی در مورد برابری حقوق زن و مرد باعث شده ازدواج و تشکیل زندگی امری سخت نباشد و به همین دلیل جامعه عربستان ظرف ده سال اخیر تغییرات زیادی کرده و آمار طلاق هر سال افزایش می‌یابد. ضرب و شتم زن از طرف مرد، دومین عامل مهم طلاق در عربستان است.

### مصر

اگر تمکن مالی در عربستان یکی از عوامل اصلی طلاق محسوب می‌شود، فقر در مصر نقش اصلی را در افزایش آمار طلاق ایفا می‌کند. آمار منتشر شده از طرف سازمان ملل حاکی از این است که آمار طلاق در مصر در سال ۲۰۱۴ به ۲۴۰ طلاق در روز (۱۷۰ هزار در سال) رسیده است. مرکز آمار مصر نیز در آمارهای خود اعلام کرده که در سال ۲۰۱۳ هر شش دقیقه یک طلاق به ثبت رسیده است.

بر اساس این آمار، فقر و ناتوانی مردان در تامین زندگی به خصوص پس از انقلاب علیه حسنی مبارک؛ از عوامل مهم افزایش طلاق است. به گفته هدی جاد پژوهشگر امور زنان، قانون طلاق خلع باعث شده تا زنان مصری بسیار ساده‌تر از گذشته درخواست طلاق دهند. در عین حال بیشترین طلاق‌های ثبت شده در سال نخست ازدواج رخ داده‌اند که عامل اصلی آن فشارهای خانواده‌های سنتی به فرزندان‌شان برای ازدواج پیش از شناختن همسرشان است.

### تونس

مرکز آمار تونس به تازگی اعلام کرده که در این کشور به شکل متوسط هر ماه هزار مورد طلاق ثبت می‌شود که با توجه به جمعیت ۱۲ میلیون نفری این کشور، رقم بالایی محسوب می‌شود. مشکلات جنسی میان زوجین، عامل چهل درصد از حالت‌های طلاق است و پس از آن مشکلات اقتصادی به عنوان دومین عامل طلاق قرار دارد.

### امارات

آمار اعلام شده سال ۲۰۱۵ این کشور حاکی از این است که تنها در امارت دبی، روزی چهار طلاق ثبت می‌شود که افزایش قابل ملاحظه‌ای نسبت به آمار سه سال قبل از آن دارد. بر اساس اعلام سازمان آمار امارات، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مهم‌ترین عامل طلاق در این کشور است و زوجین معمولاً شکایت دارند که همسرشان بیش از حد وقتش را در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کنند. افزایش استقلال مالی زنان و همچنین چند همسری مردان از دیگر عوامل مهم طلاق در امارات هستند.

### عراق

دادگستری عراق در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که ظرف ده سال گذشته آمار طلاق در این کشور هفتاد درصد افزایش یافته و به حدود شصت هزار طلاق در سال رسیده است. روزنامه الحیات به نقل از پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته در عراق گزارش داد که رواج گسترده سریال‌های ترکی که تصویری غیر واقعی از ازدواج ارائه می‌دهند، شبکه‌های اجتماعی و همچنین شرایط اقتصادی وخیم از مهم‌ترین عوامل افزایش طلاق در جامعه سنتی عراق محسوب می‌شوند.

### الجزایر

وزارت دادگستری الجزایر آمار طلاق در این کشور را شصت هزار مورد در سال اعلام کرده است. نزدیک به صد هزار کودک در الجزایر، فرزند طلاق محسوب می‌شوند که این آمار نسبت به ده سال قبل، پنجاه درصد افزایش داشته است. قوانین حقوقی جدید در الجزایر به خصوص در زمینه خانواده و احوال شخصیه، آزادی‌های بیشتری به زنان داده و در مورد تامین هزینه زندگی و عدم ضرب و شتم زن توسط مرد، سخت‌گیری‌های به مراتب بیشتری نسبت به قبل کرده و به نوعی از حقوق زن مطلقه با ادوات و ابزارهای قانونی حمایت می‌کند.

### اردن

در این کشور به شکل متوسط هر سال هزار مورد به آمار طلاق اضافه می‌شود. در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۱۵ هزار طلاق در دادگاه‌های اردن به ثبت رسیده است. اردن به تازگی قانون «طلاق الکترونیکی» را نیز به تصویب رسانده به طوری که اعلام طلاق بین زوجین از طریق ارسال پیامک یا ای‌میل یا هر گونه ابزار ارتباطی الکترونیک و اینترنتی را نیز به رسمیت می‌شناسد.

# سنگلاخ طلاق پیش پای زنان: مهرم حلال، جانم آزاد



در ایران قانون طلاق از فقه امامیه گرفته شده است. اولین قانون مدون طلاق در سال ۱۳۱۳ در مجلس شورای ملی تصویب شد که با تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶ قانونگذار تا حدی اختیارات مرد در طلاق را محدود کرد. این قانون، این حسن را داشت که درخواست طلاق از سوی هریک از همسران باید علت موجهی می‌داشت. قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳، یک قدم به جلو برداشت: اختیار مطلق و نامحدود مرد بر دادن طلاق برداشته شد و هر یک از همسران که متقاضی طلاق بودند، می‌توانستند به دادگاه مراجعه کنند و دادخواست طلاق خود را به یکی از موارد ذکر شده در قانون طلاق مستند کنند و دادگاه درباره اینکه آیا دلایل موجه است یا نه نظر می‌داد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دوباره همه چیز به روز اول برگشت. برای انطباق قانون طلاق با شرع، قانون مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت و قانون سال ۵۳ که برای مرد در طلاق مانع ایجاد کرده بود، ملغی شد. حالا بر اساس قانون مدنی سه چیز می‌تواند عامل طلاق شود: اراده مرد در طلاق، طلاق



### نعیمه دوستدار

حاکمیت در ایران طلاق را دوست ندارد و آن را در تقابل با سیاست‌های حافظ خانواده خود می‌داند. با این حال آمار طلاق در کشور روز به روز بالاتر می‌رود. تلاش برای جلوگیری از وقوع طلاق و تشویق افراد به حفظ خانواده از یک سو یک فعالیت تبلیغی است و از سوی دیگر با قانون تقویت می‌شود. هم قانون و هم تبلیغات رسمی، می‌کوشند بر سر راه متقاضیان طلاق به ویژه زنان سنگ بیندازند. در مورد زنان این کار آسان‌تر است چون اساساً طلاق حق زن نیست.



به درخواست زن، طلاق با توافق زوجین. در تمام این موارد چالش‌های زیادی برای زنان برای طلاق وجود دارد.

### طلاق به اراده مرد

حق طلاق با مرد است و او هر وقت بخواهد می‌تواند دادخواست طلاق بدهد و مجبور نیست حتی دلیل خاصی برای تصمیم خود ذکر کند. او تنها باید برای این کار به دادگاه مراجعه کند. با مراجعه مرد به دادگاه، گواهی عدم سازش صادر خواهد شد و طلاق با این گواهی ثبت می‌شود. سال ۱۳۸۱ ماده ۱۱۳۳ قانون طلاق کمی اصلاح شد: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون طلاق با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.»

بر اساس این قانون اگر مردی بخواهد همسر خود را طلاق بدهد، به دادگاه می‌رود و دادگاه با ارجاع اختلاف به یک داور، تلاش می‌کند که بین آنها صلح ایجاد کند و در صورت عدم سازش، گواهی عدم سازش صادر می‌شود. مرد در هر صورت موظف است مهریه، جهیزیه و نفقه زن را پرداخت کند. اما اگر عذر موجهی وجود نداشته باشد و مرد صرفاً با استناد به ماده ۱۱۳۳ از حق طلاق خود استفاده کند، زن می‌تواند علاوه بر مهریه، جهیزیه و نفقه، اجرت‌المثل هم دریافت کند. واقعیت ماجرا اما به سادگی نوشتن این سطور نیست. امکان گرفتن مهریه و جهیزیه و نفقه با سنگ‌اندازی‌های قانونی و موانع عرفی به سادگی برای زن مهیا نیست و مردان اغلب برای فرار از پرداخت چنین هزینه‌هایی به روش‌های مختلفی متوسل می‌شوند که با استفاده از آنها زنان خود داوطلب طلاق باشند.

به علاوه، رویکرد بسیاری از قضات و نظام قضایی این است که همان‌طور که مهریه حق زن است، طلاق نیز حق مرد است و اگر زنی بخواهد بدون دلیل مشروع و به واسطه کراهتی که از ادامه زندگی با شوهر دارد طلاق بگیرد بایستی رضایت شوهر در صرف نظر از حق طلاق را جلب کند.

بر اساس این نگاه، تنها اگر زنی به دلیل عسر و حرج ناشی از عدم رعایت حقوق زناشویی مانند عدم پرداخت نفقه، تقاضای طلاق کند، حاکم می‌تواند طلاق زن را بدون رضایت شوهر اجرا کند و زن می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند و جدا شود. اما اگر زن بخواهد بدون دلیلی که از نظر قاضی یا قانون‌گذار مشروع دانسته شود، صرفاً به دلیل کراهت از شوهر از او جدا شود، باید رضایت شوهر را در طلاق دادن جلب کند (طلاق خلع و مبارات). برا این اساس روش فرض شده و عرفی شده، گذشتن از مهریه است یعنی زن باید در ازای به دست آوردن طلاق از حقوق مالی خود بگذرد. این دیدگاه طلاق را حق مرد می‌داند که زن باید با بذل مال یا مهر خود به نوعی رضایت او را جلب کند و به این معنا، زنان را از نظر احساسی موجوداتی

### من راضی، تو راضی، قاضی ناراضی!

در طلاق توافقی هم مرد و هم زن متقاضی طلاق هستند و در مورد مسایل مختلف با یکدیگر توافق می‌کنند تا با مراجعه شخصی به دادگاه خانواده یا توسط وکلای خود، توافق خود را در مورد وصول یا بذل مهریه، نفقه ایام عده، حضانت فرزند بعد از طلاق، ملاقات فرزند، شیوه استرداد جهیزیه و سایر حقوق دوران زوجیت را کتبا بنویسند و به دادگاه بدهند. برای اجرا شدن طلاق، اخذ گواهی عدم امکان سازش الزامی است، اما دادگاه پس از بررسی موضوع، همچنان می‌تواند مساله را به داور ارجاع دهد و پس از کسب نظر داوران حکم را صادر کند.

بر این اساس دادگاه از زوجین می‌خواهد که داورانی از بین بستگان یا آشنایان مورد اعتماد خویش تعیین و به دادگاه معرفی کنند. اگر نخواهند یا نتوانند داور معرفی کنند، دادگاه خود داور انتخاب می‌کند.

داوران سعی در ایجاد سازش میان زوجین می‌کنند و در نهایت اگر موفق نشوند با اعلام مراتب به دادگاه خانواده، دادگاه مذکور درخواست گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند تا با مراجعه به یکی از دفاتر ثبت طلاق، حکم صادره اجرا و صیغه طلاق جاری شود و وارد شناسنامه زوجین شود. بالا رفتن آمار طلاق توافقی هم یکی از نگرانی‌های سیاست‌گذاران در ایران است به نحوی که علاوه بر اضافه شدن قضات مشاور زن در دادگاه‌های خانواده برای کاهش طلاق از سوی مسئولان قضایی کشور آمار پرونده‌هایی با محوریت طلاق توافقی از نگاه رهبر جمهوری اسلامی پنهان نماند و در دیداری با مسئولان قوه قضاییه به برخی مشکلات دادگاه‌های خانواده از جمله «طلاق توافقی» اشاره کرد و از قضات خواست که با کمک بزرگان خانواده‌ها، اینگونه مسائل را تقلیل دهند.

منظور قانونگذار از اجبار طرفین به مراجعه دادگاه، تعیین داور و سرانجام تعیین مدت معین برای حل و فصل اختلافات، به ظاهر آن است که شاید طی این دوران زن و شوهر پشیمان شوند. قانون حمایت از خانواده قوه قضاییه را ملزم کرده است که تمام مراجعان برای طلاق توافقی که به دادگاه درخواست می‌دهند به مشاوره مراجعه کنند، به این معنا که دیگر طلاق توافقی بدون مراجعه به مشاوره امکان ثبت آن وجود ندارد. به علاوه برای اعمال محدودیت‌های بیشتر، دفاتر ازدواج و طلاقی که بدون حکم دادگاه صیغه طلاق را صادر کنند براساس قانون به مجازات درجه ۴ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند؛ در حقیقت برای آنها حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال و جریمه نقدی ۱۸۰ تا ۳۶۰ میلیون ریال و همچنین انفصال از خدمات عمومی و دولتی در نظر گرفته می‌شود.

دارد.

ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی می‌گوید که «در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.»

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی هم می‌گوید که «اگر دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و دادخواست طلاق دهد، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.»

در اغلب این موارد اثبات عسر و حرج یا نپرداختن نفقه برای زن ساده نیست. دادگاه‌های طولانی و روند دادرسی معیوب، باعث می‌شود که زنان برای هر یک از این دادگاه‌ها مدت‌ها در رفت و آمد باشند و در نهایت یا نتوانند عسر و حرج اثبات کنند یا برای خلاصی از روند طولانی دادرسی از حقوق خود بگذرند.

برای اینکه طلاق به درخواست زن و بر اساس شرایط ضمن عقد مشکل شود، دشواری‌های زیادی پیش روی زنان است، نخست اینکه زنان اصولاً از وجود چنین شرط‌هایی خبردار نمی‌شوند. در صورت اطلاع داشتن از این شوايط، تعیین آنها در هنگام عقد ناپسند دانسته می‌شود و عرف این اقدام را تایید نمی‌کند. در نهایت هم اگر زنی در شرایط ضمن عقد حق طلاق را برای خود خواسته باشد، اجرای آن منوط به ثبت آن در دفاتر رسمی است و تنها ثبت در سند ازدواج برای برخی از محاکم قضایی کفایت نمی‌کند.



## تراژدی جدایی؛ پاهای زنجیر شده زنان



منع شرعی باعث می شود روابط قبل و خارج از ازدواج تقبیح شوند.

هرچند دست کم بخش‌هایی از حکومت اعتراف کرده که «ازدواج سفید» -هم‌خانگی زن و مرد بدون ازدواج- در کشور رواج یافته و سن رابطه بین دو جنس مخالف به کمتر از ۱۳ سال رسیده است، اما حکومت همچنان نسبت به این روابط واکنش سلبی و انتظامی دارد؛ ناامنی‌ای که در هنگام جدایی هم برای طرفین، به‌خصوص برای زنان، که به دلیل ساختار مردسالار و قوانین تبعیض‌آمیز در روابط قدرت جایگاه پایین دست را دارند، مشکل ایجاد می‌کند.

هرچند در ازدواج رسمی و قانونی هم، هنگام جدایی زن از بسیاری از حقوق مانند حضانت فرزند محروم است و از مالی که در دوران زندگی مشترک کسب شده سهمی نمی‌برد، اما حداقل با دریافت مهریه اندکی پشتوانه اقتصادی دارد. در ازدواج سفید اما هیچ قانونی حمایتی‌ای وجود ندارد.

تنها به عنوان یک مثال، در آلمان که -مانند سایر کشورهای اروپای غربی- هم‌خانگی زن و مرد قبل یا بدون ازدواج رایج است، در صورتی که زن و مرد تصمیم بگیرند رابطه‌شان را به اتمام برسانند، این مرد است که باید خانه را ترک کند و زن حق دارد تا پیدا کردن مکان دیگری، در همان خانه بماند، حتی اگر خانه به مرد تعلق داشته باشد یا مستاجر اصلی خانه مرد باشد. در ایران اما نه تنها چنین قوانین حمایتی‌ای وجود ندارد، بلکه به این دلیل که زنان اساساً سهم کمتری از بازار کار دارند و از استقلال مالی کمتری برخوردارند، صدمه به مراتب بیشتری از این نوع جدایی‌ها می‌بینند.

شیوا (همه اسامی مستعار هستند)، دختر ۲۶ ساله‌ای که یک سال و نیم با دوست‌پسرش در یک خانه مشترک در سعادت‌آباد تهران زندگی کرده است، دقیقاً با همین مشکل مواجه شده است: «تصمیم‌مان به جدایی توافقی بود؛ اما کسی که آواره شد و باید دوباره دنبال خانه می‌گشت من بودم، با این که هم پول پیش و هم اجاره‌خانه را دوتایی می‌دادیم. اما چون قرارداد خانه به نام او بود، من مجبور شدم چند ماهی پیش دوستانم زندگی کنم تا خانه دیگری پیدا کنم.»

**برچسب «نامشروع»:** زمینه‌ساز جرم  
امین، شهروند سی ساله ساکن تهران، ماجرای رابطه و جدایی‌اش را تعریف می‌کند: «بعد از جدایی از مینو، با دختر دیگری به نام هانیه وارد رابطه شدم. بعد از چند ماه مینا دوباره پیدایش شد و شروع کرد به تهدید من. نمی‌دانم چطور توانست تلگرامم را هک کند و به عکس‌های

«همه چیز داشتیم جز طلاق»

ثبت قانونی طلاق البته خوان اول ماجرای طلاق است، به‌خصوص برای زنان. تازه پس از این که قانون جدایی را به رسمیت شناخت، مقاومت جامعه و خانواده آغاز می‌شود. به‌طور کلی جدایی نقطه پایانی است بر رابطه‌ای که طرفین (یا دست کم یک طرف) را راضی نمی‌کند و در بیشتر مواقع غم‌انگیز است. اما در مقایسه با آسیبی که در صورت تداوم رابطه به دو طرف وارد می‌شود، ناچیز به نظر می‌رسد. در ایران علاوه بر قانون، شرع و عرف هم طلاق را تقبیح می‌کنند، بدون در نظر گرفتن آسیب‌هایی که ممکن است در اثر تداوم زندگی مشترک به زن و مرد و فرزندان وارد شود.

تاثیر تابو بودن طلاق و نبود هرگونه فرهنگ‌سازی برای آن باعث شده صرف «فرزند طلاق» بودن در فرهنگ عمومی، یک کودک نه تنها ناموفق و محروم فرض شود، که حتی بزهکاری یا ناهنجاری اجتماعی‌اش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تصور عمومی این است که خانواده هرچقدر هم بد باشد، پر از خشونت یا نارضایتی باشد، همچنان فرزند بهتری نسبت به فرزند طلاق تحویل جامعه می‌دهد.

در یکی از دیالوگ‌های کلیدی تلویزیون دولتی ایران تکرار می‌شود: «ما در خانواده‌مان همه چیز داشتیم جز طلاق.» رسانه دولتی ایران که نقش مهمی در برساختن فرهنگ عمومی دارد، طلاق را منکر و مکروهی جلوه می‌دهد که به هیچ قیمتی نباید برای کسی اتفاق بیفتد.

نتیجه چنین تلقی‌ای از طلاق که بخشی از آن میراث فرهنگ مذهبی-سنتی و بخش دیگرش نتیجه تبلیغات مداوم رسانه‌های وابسته به حکومت است، این است که زنان و مردان «مطلقه» و فرزندان آن‌ها به سختی در جامعه پذیرفته می‌شوند.

## جدایی در روابط غیررسمی

هرچند معضل حق جدایی و سروکله‌زدن با دستگاه قضایی و بوروکراتیک، مختص روابط رسمی‌ای است که به نام ازدواج ثبت شده‌اند، اما جدایی در روابط غیررسمی و ثبت‌نشده هم کار ساده‌ای نیست. در ایران، علاوه بر این که روابط هم‌جنس‌گرانه جرم انگاشته می‌شوند، روابط بین زن و مرد هم تا زمانی که رسماً به عنوان «ازدواج» ثبت نشوند، نه از نظر قانونی به رسمیت شناخته می‌شوند و نه جامعه آن‌ها را می‌پذیرد. در ایدئولوژی رسمی «روابط خارج از ازدواج» نوعی آسیب و ناهنجاری اجتماعی قلمداد می‌شود که باید تا حد ممکن جلوی‌ش را گرفت. در خرده‌فرهنگ‌های سنتی،

جدایی همچنان یک درام و گاه تراژدی تمام‌عیار است. صرف‌نظر از این که بخواهید از همسر رسمی و قانونی‌تان طلاق بگیرید، یا پارتنر غیررسمی‌تان را ترک کنید، باید با جامعه، اطرافیان، عرف و گاه قانون بجنگید.

در ازدواج‌های رسمی، حق طلاق در ایران، به صورت پیش‌فرض در انحصار مرد است. زن برای جدا شدن باید دلایلی داشته باشد که نظام قضایی ایران که برپایه احکام فقهی بنا شده است، آن‌ها را کافی بداند. راه حل دیگر را فعالان حقوق برابر زن و مرد پیشنهاد داده‌اند: در شروط ضمن عقد، مرد در حق طلاق به زن وکالت بدهد.



امید رضایی

در ایران میانه‌ی دهه ۹۰ شمسی، با وجود همه تحولاتی که جامعه را به کلی از دهه‌های پیشین متمایز می‌کند،

شخصی‌ای که بین من و هانیه ردوبدل شده بود دسترسی پیدا کند.»

امین برای این که به خاطر عکس‌ها متهم به رابطه نامشروع نشود، نمی‌تواند شکایت کند. مینا تا مدت‌ها او را تهدید می‌کند و نهایتاً تهدیدهایش را عملی می‌کند. ازدواج امین با هانیه منتهی می‌شود: «به پدر و مادرم گفت که اولین سکس را با من داشته و باکرگی‌اش را من ازش گرفته‌ام و بعد رهایش کرده‌ام. الان ۹ ماه است که پدرم با من حرف نمی‌زند.»

برعکس ماجرا البته بیشتر اتفاق می‌افتد، وقتی مردی زنی را به بهانه انتشار عکس‌ها یا افشای رابطه تهدید می‌کند. نیره، دانشجوی ۲۶ ساله ساکن رشت می‌گوید: «تا مدت‌ها بعد از این که با دوست‌پسر سابقم برخلاف میل او به هم زدم، تهدیدم می‌کرد که اگر به رابطه برنگردم، عکس‌های برهنه‌ای که از من دارد را در اینترنت منتشر می‌کند. هرچند هیچ‌وقت این تهدید را عملی نکرد، اما ترسش هنوز با من است.»

نیره در پاسخ به این که چرا شکایت نکرده است، می‌گوید: «آن‌وقت تمام خانواده و اطرافیان و دوستان باخبر می‌شدند که من با یک پسر رابطه داشته‌ام و عکس‌های برهنه‌ام را به او داده‌ام. شنیده بودم که خود پلیس و دادگاه هم می‌توانست به اسم رابطه نامشروع برای‌ام دردسر درست کند.»

### خشونت هنگام جدایی

جدایی وقتی سخت‌تر می‌شود که یک طرف اصرار به رفتن و یک نفر اصرار به ماندن داشته باشد. بهزاد، ۳۰ ساله، می‌گوید: «در ۲۱ سالگی بعد از ورود به دانشگاه با دختری آشنا شدم. سن‌وسالم کم بود و اعتماد به‌نفس پایینی داشتم. بعد از یک سال رابطه وقتی در گوشه خلوتی در محوطه دانشگاه، گفت که می‌خواهد من را ترک کند، از شدت عصبانیت یک سیلی به صورتش زدم. بعد هر دو خشک‌مان زد. هرچند بعد توانستیم دوستان خوبی برای هم باشیم، اما چنین تجربه‌ای برای من آن‌قدر سنگین بود که دیگر هرگز کسی را ذره‌ای تحت فشار نگذاشتم که برخلاف میلش با من بماند. آن سیلی من را متمدن‌تر و بزرگ‌تر کرد و از آن اشتباهم آموختم. هرچند هنوز وقتی در موردش حرف می‌زنم حالم بد می‌شود.»

اگر در ازدواج‌های رسمی مردان می‌توانند زنان را از طریق فشار مالی یا نقض قانونی حق طلاق وادار به ماندن کنند، در ازدواج‌های سفید و روابط خارج از ازدواج، تهدید به افشای رابطه و در مواردی تهدید به خودکشی یا شکلی از آسیب

زدن به خود رایج است.

### خلط مسئولیت‌ها و احساسات

فروز پاینده (اسم مستعار است)، جامعه‌شناس مقیم ایران، درباره روابط غیررسمی، معتقد است که این رابطه‌ها در کشوری مانند ایران با این فرهنگ و این شرایط قانونی، آسیب‌های جدانشدنی‌ای با خود دارند و اضافه می‌کند: «دلیلش ای این است که تعریف مشخصی از چنین روابطی وجود ندارد، مفاهیمی کاملاً ذهنی هستند که به جهان‌بینی و برداشت آدم‌ها بستگی دارند. در مورد ازدواج، تعریف مشخصی وجود دارد و همه برداشت تقریباً یکسانی از آن دارند: یک رابطه ثبت‌شده در یک مکان قانونی که اطرافیان و رابطه به آن شهادت داده‌اند و شکل مشخصی دارد. اما مهم‌ترین چیز در مورد روابط غیررسمی این است که افراد وارد چیزی می‌شوند که تعریف مشخص و یکسانی از آن ندارند و برداشت‌شان بسته به توقعات و عقبه‌شان است. در چنین شرایطی که حمایت قانونی و خانوادگی حرفی وجود ندارد، زن که در این کشور و جامعه وضعیت اساساً متزلزی دارد، به جایگاهی فرودست‌تر از حتی رابطه مشخصی مثل ازدواج هدایت می‌شود.»

این جامعه‌شناس در مورد پایان این روابط می‌گوید: «زن‌ها به‌لحاظ روان‌شناختی و سنتی و به‌خاطر روند جامعه‌پذیری‌شان در موقعیتی هستند که ترجیح می‌دهند که رابطه را حفظ کنند، چون از فرای پایان رابطه ترس‌های واقعی وجود دارد. وقتی رابطه‌ای تمام می‌شود، زن آسیب بیشتری می‌بیند، چه در جامعه و چه در خانواده. این‌گونه روابط یا از خانواده پنهان نگه داشته می‌شوند، یا اگر خانواده مطلع شوند، با این تصور است که قرار است به ازدواج ختم شود. وقتی این روابط تمام می‌شود، زن که نه از جانب قانون حمایت می‌شود و نه از نظر عرفی و معمولاً نه حتی در خانواده، از نظر اخلاقی نزد وجدان خودش هم دچار تردید می‌شود و اصلی‌ترین ضربه را می‌خورد. همچنین برای شروع روابط بعدی هم دچار مشکل می‌شود.»

در حالی که برای مردان قضیه معمولاً برعکس است: بعد از پایان چنین رابطه‌هایی خانواده پسر ممکن است برای یک ازدواج رسمی برنامه‌ریزی کنند، با این نگاه که «مرد است و حق دارد روابط متعددی داشته باشد». به محض این که از این رابطه خارج می‌شود، وارد یک عقد برنامه‌ریزی‌شده سنتی می‌شود و به این ترتیب بیشترین آسیب‌ها، چه مالی، چه روانی، چه از نظر از دست دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های بعدی را زن متحمل می‌شود.

# حق طلاق مدنی، لرزه بر قوانین کلیسای کاتولیک



در برابر دوربین‌های تلویزیونی و میکروفون‌های خبرنگاران ناگفته گذاشت.

در این کشور که طبق قانون اساسی، دولت باید از مذهب جدا باشد، آکینو تنها به خاطر امضای یک قانون مرتبط با بخش بهداشت و درمان که اجازه می‌داد قرص‌های پیشگیری از بارداری با سوبسید دولتی به زنان فقیر داده شود، زیر حملات بی‌امان اسقف‌های کلیسای کاتولیک قرار گرفت. او به‌سان بسیاری از اسلاف خود، قدرت تحمل این حملات را نداشت و تا آخرین روز کار خود، ترجیح داد که جنجال قانونی کردن حق طلاق را در این کشور دین‌زده، به جان نبرد.

سه دهه تلاش قانون‌گذاران مترقی در فیلیپین، نمونه معاصر و زنده امروزی از روندی است که کشورهای کاتولیک در گذشته طی کردند تا علی‌رغم خواست کلیسا، قوانین مدنی را جایگزین قرائت کاتولیک از مسیحیت کنند. قرائتی که قرن‌ها پایه حقوقی تصمیم‌گیری برای زندگی مردم در کشورهای



کامبیز غفوری

«نمی‌خواهیم فیلیپین مانند لاس وگاس شود که شما اجازه داشته باشید صبح ازدواج کنید و عصر طلاق بگیرید!» این جمله را بنیگنو آکینو، رئیس جمهوری فیلیپین، تنها کشور دنیا (غیر از واتیکان) که طلاق هنوز در آن غیر قانونی است، در نخستین سال رسیدن به قدرت بیان کرد. آکینو مانند بسیاری دیگر از سیاستمداران فیلیپین، یک حقیقت مهم اما نهفته را

اروپایی و مستعمرات آن‌ها به شمار می‌رفت.

### قوانین ازدواج و طلاق در کاتولیسیسم

پاپ ژان پل دوم (۱۹۲۰ تا ۲۰۰۵ م) در دوران تصدی خود بر بالاترین مقام کلیسای کاتولیک، جمعی متشکل از ۱۲ کاردینال و اسقف اعظم واتیکان را مأمور کرد تا برای کلیسا یک کتاب راهنمای اصول دین تنظیم کنند.

این کتاب پس از هفت سال کار، در سال ۱۹۹۲ با نام *Catechismus Catholicae Ecclesiae* یا تعلیمات مسیحی کلیسای کاتولیک با تأیید پاپ منتشر شد و او شخصاً آن را «بزراری مشروع و معتبر برای کلیسا و هنجاری مطمئن برای آموزش دین» خواند. در این کتاب، بر اساس تعلیم کتب متقدم مسیحی، ازدواج تنها راه بنیادپذیری عشق و زندگی نامیده و تأکید می‌شود که «خدا خود بانی ازدواج است» و قوانینش را در این باره وضع کرده است. از این رو، «ازدواج یک نهاد منحصرأ انسانی نیست» و هر آنچه فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی مختلف و قوانین بشری در طول قرون بدان رسیده باشند، از حیث انتفاع خارج است.

در واقع، کلیسای کاتولیک، خود را به عنوان نماینده‌ی خدایی که «بانی ازدواج» است، می‌شناسد و اوست که باید *Matrimony* یا **نکاح** را به عنوان «تشریک مادام‌العمر زندگی» میان یک مرد و یک زن «تعمید داده شده» به رسمیت بشناسد. از نظر کلیسای کاتولیک، پایه‌ی نکاح، طبیعی است و توسط «خداوند عیسی مسیح» تقدیس شده است.

پایه‌ی قوانین کلیسای کاتولیک در مورد منع طلاق، تنها قداسات ازدواج نیست. آن‌ها برای توضیح قرائت خود، به نصوص انجیل‌های متیو، مرقس، لوقا و نوشته‌های پولس استناد می‌کنند. برای مثال، در انجیل‌های متیو و مرقس نقل شده که عیسی در جدال با فریسیان بر سر عقاید هیلل (کاهن اعظم معبد سلیمان در زمان تولد عیسی) و شمعی (روحانی یهودی مخالف هیلل)، طلاق زنان از مردان را حرام شمرده است.

در انجیل متی ۱۹: ۱-۱۲ و لوقا ۱۶: ۱۸، عیسی در پاسخ به سوال فریسیان که پرسیدند «آیا مرد مجاز است که زن خود را طلاق بدهد؟»، سؤال دیگری مطرح کرد و گفت: «موسی در این باره چه دستوری داده است؟» فریسیان جواب دادند که «موسی اجازه داده است تا مرد با دادن طلاق‌نامه به زن خود، از او جدا شود.» منتها عیسی گفت: «به دلیل سنگ‌دلی شما بوده که موسی این اجازه را به شما داد وگرنه خدا از اول خلقت، انسان را بصورت مرد و زن آفرید... این دو یک تن واحد می‌شوند. آنچه را خدا بهم پیوسته است انسان نباید جدا کند.» عیسی همچنین به شاگردان خود گفت که «هر کس زن خود را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، نسبت به زن خود زنا کرده است. همین‌طور اگر زنی از شوهر خود جدا شود



و با مرد دیگری ازدواج کند مرتکب زنا شده است.»

### آیا در کاتولیسیسم امکان جدایی زوجین وجود ندارد؟

همان‌طور که گفته شد، در میان کاتولیک‌ها، امکان جدایی دو مسیحی تعمید داده شده که با هم ازدواج کرده باشند وجود ندارد. از نظر اصول دینی کاتولیک‌ها، تنها واژه‌ای به نام *Annulment* وجود دارد که می‌توان آن را فسخ نکاح ترجمه کرد اما معنی دقیقاً مشابهی را که فارسی‌زبانان بر مبنای فقه شیعی یا حتی قوانین مدنی از آن استنباط می‌کنند، نمی‌رساند.

فسخ نکاح در آئین کاتولیک بدان معناست که کلیسا به این نتیجه برسد و اعلام کند که ازدواج از ابتدا بلااعتبار بوده است؛ یعنی از اساس پیوندی میان زوجین بر اساس آموزه‌های کلیسا صورت نگرفته است. به عبارتی، اعلام بی‌اعتباری ازدواج به منزله‌ی بر هم زدن یک عقد نیست بلکه راهی قانونی است که گفته شود عقد هرگز صورت نگرفته است.

چهار ایراد ممکن است یک ازدواج را از اعتبار ساقط کنند. نقص در فرم، نقص در رضایت، نقص در پیمان و نقص در ظرفیت.

رضایت، یکی از مهم‌ترین این چهار عنصر است که بدان استناد می‌شود. در کتاب تعلیمات مسیحی کلیسای کاتولیک



(۱۹۹۲) آمده است که کلیسا برای معتبر دانستن ازدواج، عنصر رضایت میان زوجین را برای اعتبار یک ازدواج ضروری می‌داند. رضامندی عبارت است از «عملی از سوی انسان که نشان دهد دو شریک، خود را به دیگری می‌بخشند؛ این با عبارت‌هایی از جمله «تو را به عنوان زن خود می‌پذیرم» و «تو را به عنوان شوهر خود می‌پذیرم» نشان داده می‌شود.»

از سوی دیگر، این رضایت باید با اراده‌ی آزاد طرفین، بدون اجبار، ترس یا تهدید باشد. بنابراین اگر ثابت شود که آزادی وجود نداشته، ازدواج نامعتبر است. به همین دلیل یا دلایل دیگری که ممکن است برای اثبات بی‌اعتباری ازدواج وجود داشته باشد، ادله‌ی احتمالی در یک دادگاه کلیسایی بررسی می‌شوند و می‌توانند دستمایه‌ی اعلام بی‌اعتباری ازدواج یا فسخ نکاح شوند. این، یعنی ازدواجی از اساس صورت نگرفته است و در نتیجه، طرفین از ابتدا زن و شوهر نبوده‌اند و اجازه خواهند داشت تا با فرد دیگری ازدواج کنند.

**وقتی که طلاق ملوکانه، بخشی از اروپا را به خون کشید**  
اوایل قرن شانزدهم، دربار انگلستان و متعاقب آن، کل این کشور با یک ماجرای غریب روبه‌رو شد. شاه هنری هشتم که در سال ۱۵۰۹ به سلطنت رسیده بود، همسری با نام ملکه کاترین داشت. کاترین که از خانواده سلطنتی اسپانیا بود، در

واقع به دلایل سیاسی و با هدف پیوند میان اسپانیا و انگلیس، ابتدا به عقد آرتور، برادر بزرگ‌تر هنری هشتم درآمد. آرتور که بیمار بود، تنها چند ماه بعد از ازدواج درگذشت و هنری هفتم که نمی‌خواست این فرصت سیاسی از دست برود، کاترین را به عقد هنری هشتم، شاه بعدی، درآورد.

هنری هشتم و کاترین تنها یک دختر به نام مری داشتند و تمامی بارداری‌های دیگر کاترین، با سقط روبه‌رو بود. هنری هشتم تصمیم گرفت تا به بهانه‌ی عدم امکان تولد نوزاد پسر برای ولایت‌عهدی، کاترین را طلاق دهد و با زنی به نام آن بولین ازدواج کند. با مقاومت کلیسای کاتولیک و شخص کلمنت هفتم، پاپ وقت، که طلاق را به دلیلی چون عدم پسرزایی ملکه مشروع نمی‌دانست، شاه مغرور از اساس مذهب انگلستان را از کاتولیک به پروتستان تغییر داد.

تلاش برای اشاعه‌ی پروتستانتیسم در انگلستان، ناآرامی‌های اجتماعی را در بر داشت. یکی از پیامدهای آن پس از مرگ هنری هشتم و فرزند پسرش ادوارد، این بود که مری، تک‌دختر کاترین به تخت نشست و با کینه‌ای که از عملکرد پدرش نسبت به مادر داشت، کشور را به آئین کاتولیک بازگرداند و حدود ۳۰۰ تن از شخصیت‌های متنفذ پروتستان را -اغلب با زنده‌سوزاندن در آتش- اعدام کرد. او با لقب مری خونین شناخته می‌شود.

ملکه مری یک سال بعد درگذشت. پس از او، ملکه الیزابت یکم که محصول ازدواج دوم شاه هنری هشتم بود، به تخت نشست. با آمدن او تمام تلاش‌های ناخواهری‌اش «مری خونین» برای اشاعه‌ی کاتولیسیسم ناکام ماند و یک بار دیگر پروتستانتیسم به انگلستان بازگشت. در این میان، هزاران انسان جان باختند. طنز تلخ تاریخ این‌جاست که یکی از چند عوامل جنگ‌های طولانی فرقه‌ای در داخل انگلستان از یک سو و میان بریتانیایی‌های بعداً پروتستان با همسایگان کاتولیک خود در اروپا از سوی دیگر، در قوانین طلاق نهفته بود.

### ایتالیا و جنجال کلیسا برای اعطای حق طلاق

آثار این قوانین بر روابط انسان‌ها، منوط به قرون وسطی نبود. در ایتالیا، مهد جغرافیایی کلیسای کاتولیک، تا سه دهه مانده به قرن بیست و یکم، قانون طلاق وجود نداشت. یکی از فیلم‌های مطرح دنیا با نام طلاق به سبک ایتالیایی که برنده‌ی جوایز سینمایی اسکار، کن، گلدن گلوب و بفتا شد، در سال ۱۹۶۱ به همین موضوع پرداخته بود.

سرانجام در روز یکم دسامبر ۱۹۷۰، قانون‌گذاران مترقی ایتالیا توانستند حق طلاق را در قوانین خود بگنجانند. مع الوصف، گروه‌های کاتولیک مورد حمایت واتیکان، چنان فشاری به دولت ایتالیا وارد کردند که وادار شد تا حق طلاق را به رفراندوم بگذارد و در نهایت، روز ۱۲ مه ۱۹۷۴، با رأی

مثبت اکثریت مردم ایتالیا به حق طلاق، تلاش کاتولیک‌ها شکست خورد.

گام بعدی، اعلام مغایرت حق طلاق با قانون اساسی ایتالیا بود. طبق معاهده لاتران *Pacta Lateranensia* که در سال ۱۹۲۹ میان پادشاهی ایتالیا و سریر مقدس (واتیکان) برای حفظ یکپارچگی ایتالیا منعقد شد، استقلال واتیکان به عنوان یک دولت‌شهر به رسمیت شناخته شد.

با این که معاهده لاتران در زمان حکومت فاشیستی موسولینی منعقد شده بود، لیکن دولت‌های بعدی نیز آن‌را محترم داشتند و مفاد آن از سال ۱۹۴۷ در قانون اساسی ایتالیا وارد شد. سازگاری یا ناسازگاری حق طلاق با آن بخش از معاهده لاتران که امور ازدواج شهروندان کاتولیک ایتالیا را جزو اختیارات کلیسا می‌دانست، تا مدت‌ها محل منازعات حقوقی بود.

پیشتر نیز در ۱۹۳۹، زمانی که یک قانون ضد یهود از سوی حکومت وقت ایتالیا، پیروان این آئین را از ازدواج با پیروان سایر ادیان از جمله مسیحیان کاتولیک منع کرد، واتیکان واکنش نشان داد و گفت تصمیم‌گیری در امور ازدواج کاتولیک‌های ایتالیا طبق معاهده لاتران، ربطی به دولت ایتالیا ندارد و در حوزه اختیارات سریر مقدس است.

**فیلیپین، آخرین بازمانده قوانین کلیسایی در امر طلاق**  
کشورهای اروپایی و برخی از مستعمرات آن‌ها، برای قرن‌ها، ابتدا جدال میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را تجربه کردند و زمانی که دریافتند قوانین اجتماعی باید به طور مدنی و با علم و اندیشه و تجربه انسانی بر پایه علم حقوق بنا شوند، هم در حکومت‌داری و هم در سیستم قضایی، از کلیسا فاصله گرفتند و به سراغ قوانین مدنی رفتند.

اکنون اما غیر از جمعیت هزار نفری واتیکان، تنها مردمی که هنوز حق قانونی برای طلاق ندارند، ساکنان کاتولیک فیلیپین هستند (مسلمانان مشمول این محرومیت نمی‌شوند).

از سال ۱۵۴۲ که لوپز دو ویلالوبوس، جهانگرد و کاشف اسپانیایی، این جزایر را کشف و آن‌را به افتخار شاه کشورش، فیلیپ دوم، جزایر فیلیپ یا فیلیپین نامید، صدور مسیحیت کاتولیک به این بخش از جهان نیز آغاز شد و تا قرن‌ها ادامه یافت. امروزه حدود ۸۰ درصد از جمعیت فیلیپین را کاتولیک‌ها تشکیل می‌دهند و پروتستان‌ها با ۲ درصد، از مسلمان‌ها نیز کم‌ترند.

روند کند و آزارنده فسخ ازدواج طبق اصول کلیسای کاتولیک، با احتساب رشوه‌ها و هزینه‌های روان‌پزشک، وکیل، تهیه سندهای رسمی و غیره، برای فیلیپینی‌ها بین چهار تا هشت هزار دلار هزینه دارد؛ مبلغی که اکثریت مردم این کشور قادر به پرداخت آن نیستند.

طبق یک گزارش که تابستان گذشته در **نیویورک تایمز** منتشر

شد، اکنون بیش از ۶۰ درصد از شهروندان فیلیپین موافق گنجانده شدن حق طلاق مدنی به قوانین کشور هستند. این میزان در سال ۲۰۱۱ حدود ۵۰ درصد و در سال ۲۰۰۵، ۴۳ درصد بود. بنا بر این گزارش، برخی قانون‌گذاران پیش‌بینی می‌کنند که با رشد افکار عمومی و همچنین اتمام دوره یک رئیس‌جمهوری محافظه‌کار، این آخرین سنگر قوانین کلیسایی در امور ازدواج و طلاق شهروندان نیز به نفع حقوق مدنی جا خالی کند.



## روایت‌هایی از #حق\_طلاق

### حقوق ما:

*از کاربران اینترنتی پرسیدیم که تجربه‌تان از داشتن یا نداشتن حق طلاق چیست؟ در همان ایامی که کاربران اینترنتی در توئیتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی درباره حق طلاق می‌نوشتند. اسامی مستعار است.*

### محضررداری که در هماهنگی با خانواده، شروط ضمن عقد را ثبت نمی‌کند

#### بهناز

پنج سال پیش عقد کردم. در خانواده ما رسم هست که تمامی شروط ضمن عقد در دفتری نوشته می‌شود و همه آن را امضا می‌کنند. این دفتر تحویل محضردار داده می‌شود که همان شرایط را در سند ازدواج قید کند. طبق همین رسم شروط ضمن عقد من هم مثل حق طلاق، مسکن، تحصیل در هر کجای دنیا، توسط پدربزرگ و پدر من و همسر امضا شد. روز عقد، درست همان زمانی که خطبه خوانده شد و من باید برای امضای می‌رفتم، متوجه شدم «حق طلاق» در آن ذکر نشده. امضا نکردم و جویای دلیل آن شدم. فهمیدم که دفتردار و پدر همسرم با هم دیداری خصوصی داشتند و بعد از آن پدر همسرم، شوهرم را قانع کرده بود که نباید این حق را به من بدهد.

هنوز هم نمی‌دانم به او چه گفته بود که به هیچ طریقی زیر بار نمی‌رفت. با این‌که همسرم قبلا حق طلاق را از حقوق مسلم هر زنی می‌دانست. روز عقد در نهایت، همسرم از من خواست مهریه‌ام را ببخشم تا حق طلاق را به من بدهد. موافقت کردم. با وجود این، پدر همسرم و محضردار جلوی او را گرفتند. بالاخره با گریه سر سفر نشستیم.

هنوز هم با گذشت این همه سال نمی‌دانم چرا آن قدر قوی نبودم که همه چیز را رها کنم و از آن رابطه خارج شوم. چون اثر مخرب آن هرگز از وجودم بیرون نرفت. بعدتر همسرم همه کار کرد تا ناراحتی‌ام را برطرف کند. به چند دفترخانه مراجعه کردیم اما همه گفتند حضور پدر همسرم هم الزامی است. باز هم اجازه ندادند حق طلاق را داشته باشم.

الان تنها یک دست‌خط از همسرم دارم به همراه امضا و اثر انگشتان‌اش که به من حق داده هر زمانی و به هر دلیلی که خواستم، می‌توانم حتی بدون حضو او، طلاق بگیرم.

اما باز هم می‌خواهم زمان به عقب برگردد و دوباره سر آن سفر عقد بنشینم و این‌بار زیر حرف پدر همسرم و آن محضردار نروم. امروز خارج از ایران درس می‌خوانم و همسرم از ایران برایم پول می‌فرستد و قرار است تا چند ماه دیگر او هم مهاجرت کند، اما نمی‌خواستند اجازه همین‌ها را هم بدهند، همسرم مقابل آن‌ها ایستاد.

از وقتی به یاد دارم، دختر مستقلی بودم. خانواده‌ام کاملا مذهبی هستند. بعد از سال‌ها مقاومت توانستم به آن‌ها بقبولانم که در خارج از ایران باحجاب هستم. همیشه کاری را که می‌خواستم انجام می‌دادم و هیچ‌چیز جلو دارم نبود. ولی برای قبول اینکه حقام را ندهاند و باز هم سر سفره عقد نشستم، هیچ‌گاه خودم را نبخشیدم.

ده سال مهندسی در محیط‌های کاملا مردانه باعث شده قوی و محکم باشم اما آن روز انگار هیچ قدرتی برای تصمیم‌گیری نداشتم. همین قضیه اعتماد به نفس‌ام را پایین آورد. درون خودم به زنی بی‌دست و پا و تو سری‌خور تبدیل شده بودم. این فشار باعث شد دچار افسردگی شوم. البته خیلی اتفاق‌های دیگر هم در این دوران نقش داشت ولی این مساله در ذهن‌ام پررنگ بودم.

احساس ناامنی شدیدی داشتم. همین حس ناامنی باعث شده بود که بعد از عروسی بارها تا پای طلاق برویم. نداشتن حق طلاق در تمامی جریانات زندگی‌ام نقش داشت. حس می‌کردم قدرتی از من گرفته شده. انگار به ازدواج تن داده بودم و نه این‌که انتخاب‌اش کرده باشم. هنوز یادآوری آن روز تا سر حد جنون عصبانی‌ام می‌کند.

مساله این نبود که اگر حق طلاق داشتم سر هیچ و پوچ جدا می‌شدم اما حتما این‌همه سال تحمل نمی‌کردم. این مساله چنان در زندگی ما پررنگ است که سالگرد عقدمان را هم جشن نمی‌گیریم. به سالگرد عروسی دلخوشیم.

هنوز هم بعد از این همه سال و تداوم زندگی، وقتی فکر می‌کنم، از خودم بدم می‌آید که اجازه دادم با من آن‌طور برخورد کنند. تنها چیزی که به من تحمل و آرامش می‌دهد این است که شوهرم هرگز این تفکرات را ندارد. اما الان به خودم حق نمی‌دهم که به خاطر علاقه یا تفاوت شوهرم زیر بار این مساله رفتم.

### از حقوق‌ام می‌گذرم چون نیازی ندارم، حق طلاق و حضانت می‌خواهم

#### پریسا

من طلاق گرفتم. اما برای این که بی‌دردسر باشد، ناچار شدم تمامی حق و حقوق‌ام را مثل مهریه، نفقه و اجرت‌المثل ببخشم. اگرچه چون در دوران نامزدی رابطه کاملی داشتیم تمامی این حق و حقوق را می‌توانستم به دست بیاورم. اما دفعه بعد که بخوام ازدواج کنم حتما از نفقه می‌گذرم چون خودم شاغل هستم و احتیاجی ندارم. از مهریه هم می‌گذرم چون واقعا در این دوره و زمانه به درد نخور است. حکم مهریه در اوایل دوران اسلام هدیه‌ایاز سمت مرد به زن بود. بعدها مفهوم‌اش تغییر کرد و به حربه‌ای در دستان مرد قرار گرفت تا آن را علیه زن به کار ببرد. مثل تجربه‌ای که من داشتم. این تغییر مفهوم باعث شد مردها هر وقت خواستند بتوانند زن را طلاق بدهند و زن‌ها هم که معمولا پشتیبانی مالی ندارند مجبور به ادامه زندگی شوند.

الان اگر مردی بگوید نمی‌تواند مهریه را پرداخت کند، آن را قسطی می‌کنند. یک سکه به کجای زندگی یک زنی که درآمدی هم ندارد می‌رسد؟ جز اعصاب‌خردی هیچ ندارد. برای هر عدم پرداخت همان یک سکه هم باید به دادگاه مراجعه کنی.

من از اجرت‌المثل هم می‌گذرم چون به عنوان یک انسان وارد زندگی می‌شوم و هیچ دلیلی برای حق کلفتی وجود ندارد.

اما من مجبور شدم از مهریه‌ام بگذرم که ۳۷۱ سکه بود. برای همین مهریه طلاق نمی‌داد و هر روز اذیت می‌کرد. مجبور شدم بگویم یا

طلاق یا مهریه کامل. او هم سریع قبول کرد که از همه چیز بگذرم و همه طلاها را پس بدهم تا بتوانم طلاق بگیرم. من خلاص شدم اما اگر حق طلاق داشته باشم نه مجبور به انجام این کار می‌شوم و نه مهریه، باعث می‌شود که فردی از ترس‌اش با من بماند نه خواستن خود من. مادربزرگ و پدربزرگ من مدت ۵۰ سال بدون خطبه و مراسم عقد، فقط با یک صیغه زندگی کرده بودند. این اواخر به خاطر قوانین اخذ پاسپورت مجبور شدند عقد کنند. نیم قرن به خاطر عشق با هم بودند. الان زور مهریه به چه درد می‌خورد؟ در عوض گذاشتن از حقوق‌ام اما حق طلاق و حضانت فرزندان‌ام را می‌گیرم که اگر همسر فوت کرد، بچه‌هایم را پدربزرگ‌شان بزرگ نکند. حق اجازه خروج از کشور را هم همین‌طور. من از شوهرم آزادی را می‌گیرم؛ همان آزادی که او دارد. اگر به من اعتماد نکند نمی‌توانم به او اعتماد کنم. آدم‌ها در آزادی و داشتن اختیار برای جدا شدن به زندانی همدیگر تبدیل نمی‌شوند. در زندان هم که هیچ‌کس نمی‌تواند کاری کند.

درد جدایی اجازه نمی‌داد به حقوق مادی‌ام فکر کنم

آزاده

همه بحث بر سر مهریه و مساله اقتصادی است. داستان طولانی سیزده سال رابطه به سادگی قابل گفتن نیست. پیچیدگی‌های خاص و عمق خودش را دارد. با وجود این، موقع جدایی کلاهبرداری کرد. هیچ چیز تقسیم بر دو نشد. به قول‌های لفظی که داده بود عمل نکرد. رفتار منصفانه نبود. الان بعد از ۶ سال این قضاوت را دارم. آن موقع درد جدایی اجازه نمی‌داد به حقوق مادی‌ام فکر کنم.

۶۹۱ ایمیل از سال شده. هیچ واکنشی ندیده‌ام. #حقوق\_طلاق ، #جوگیری\_نیست! به #مهرازان\_مدیری ، #انور\_همی و شبکه نسیم ایمیل بزنید /macholand.org/fa/dorehami/

ماچولند

مهری

#حق\_طلاق

جوگیری نیست!

macholand.org/fa

ماچولند

کی چن تا خاتوم رو میشناسه که با پا بدون #حقوق\_طلاق احساساتی شده باشه جدا بشه و بعد پشیمون شه؟ #جندی #خدایی #ریونیت #انترنسجی

PrinCeSs Star @3t4reh

کاري به مهراڻ مديري ندارم ، ولي دادن حق طلاق به زن اشتباه بزرگيه چون زنا ، احساساتشون بر عقلشون غلبه داره اغلب

- Hossein Rassam @rassam\_hossein · Dec 10  
وقتی #حقوق\_طلاق گرفتنی باشی، یعنی مقاومتی در برابر یک حق وجود دارد. آن که حق را نمی‌دهد اسم دیگرش خودکامه است.
- @KNoroozi · Dec 10  
دختره تو روز عروسیش کتک خورده همچنانم کتک میخوره، شوهرشم طلاقش نمیده! پدر مادرش آگه شعور داشتن که تو ۱۸ سالگی شوهرش نمیدان #حقوق\_طلاق پیشکش
- shahrzad hemati @shahrzad\_hemati · Dec 11  
شما که از سواستفاده های احتمالی زنان از #حقوق\_طلاق می ترسید، به زنی فکر می کنید که در دادگاه ها به راحتی و بدون هیچ دلیلی طلاق میگیرند؟
- Eiham Pavehnejad and 2 others liked  
shahrzad hemati @shahrzad\_hemati · Dec 11  
چه اشکالی داره من به عنوان یک زن، در جایگاه یک انسان برابر با همسر از حقوق یکسانی برخوردار باشم؟ #حقوق\_طلاق
- shahrzad hemati @shahrzad\_hemati · Dec 11  
Translate from Persian  
اگر بنا باشد زنی از مهریه خود بگذرد، که کاری بسیار پسندیده محسوب میشه، چرا نباید در ازای اون حقوق مدنی خودش رو از همسر مطالبه کنه؟ #حقوق\_طلاق
- shahrzad hemati @shahrzad\_hemati · Dec 11  
شما که زنان را تشویق به بخشش مهریه و پرهیز از گرفتن مهریه های نجومی میکنید به ضمانت اجرایی آن ها در زمان طلاق فکر میکنید؟ #حقوق\_طلاق
- @nasiri1404 · Dec 11  
اما مرد به دلیل غیرتی که خداوند غیوردر وجودش گذاشته معمولاً دیرتر از زن در مشکلات تصمیم به طلاق میگیر. #طلاق\_در\_اسلام #حقوق\_طلاق
- In reply to ابراهیم نصیری  
@nasiri1404 · Dec 11  
گاهی شدت پیدامیکنه وامکان داره مردی باچرب زبانی ازاین موقعیت سوءاستفاده کنه وزنی روتحت تاثیرقراربده #طلاق\_در\_اسلام #حقوق\_طلاق
- In reply to ابراهیم نصیری  
@nasiri1404 · Dec 11  
Translate from Persian  
@nasiri1404 برای دوام واستحکام خانواده اسلام #حقوق\_طلاق رو باشرانطی به مردداده چون اختلاف سلیقه مخصوصاصداوانل ازدواج مشهوده #طلاق\_در\_اسلام
- hoda amid @hodaamid · Dec 10  
مراجعی داشتم که دخترش قصد ازدواج داشت.مستاصل آمده بود بی‌رسد چطور دختری سی ساله و تحصیلکرده اش که مدیر فروش شرکتی بود راقانع کند #حقوق\_طلاق مهمست

- saba azarpeik @sabaazarpeik · Dec 14  
دختر سی ساله می‌گه برادرم اجازه نمی‌ده عکسم رو روی #تنگ‌نارم بگذارم (شاغل مطلقه در شهرستان) ما اینجا در مورد #حقوق\_طلاق حرف می‌زنیم #فواصله
- Leili Bazargan @Leilibazargan · Dec 12  
برخورداری #زنان از #حقوق\_طلاق به معنای تصاحب یکطرفه این حق توسط زنان نیست. بلکه داشتن حق "برابر" برای خروج از زندگی مشترک تمام شده است.
- Mehdi Honar @desertwolf\_1 · Dec 12  
من، روز عقد، به درخواست خودم و با افتخار #حقوق\_طلاق دادم ولی کاش این حق نبود در دست من برای "بخشیدن" یا "نبخشیدن" حق آزادی کسی که دوستش دارم.
- @HrXIII · Dec 12  
1. طلاق توافقی هم طی دو هفته ممکن نیست. داستان تخیلی نسازیم.  
2. مهریه عندالمطالبه ست. #حقوق\_طلاق ندی هم می‌تونه مهریه رو اجرا بذاره.
- reza khalighi @rezakhalighi  
من #حقوق\_طلاق رو به همسر دادم، در کمتر از دو هفته جدا شد و مهریه اش رو هم به اجرا گذاشت، حاصل یازده سال کارم و همه زندگیم بریاد رفت
- MaryamAbdi @Marii\_Abdi · Dec 12  
#حقوق\_طلاق دادید و بدبخت شدید؟ اصلاً گفتن این مطلب از همون ذهنیت درمید که انگار دارید به لطفی به زن میکنید و حالا بابتش ضرری بهتون رسیده
- HiRaD @Hirad1986 · Dec 12  
ای کاش به زندان افتادن مردان به جرم ازدواج هم دیده میشد! البته حتی زنی که #حقوق\_طلاق نداره هم میتونه به راحتی طلاق بگیره. #مهریه
- shahrzad hemati @shahrzad\_hemati  
شما که نگران #حقوق\_طلاق هستید، همان تفکری را دارید که می‌گوید مهریه را کی داده و کی گرفته، اما هیچ وقت تنهایی زنان در دادگاه خانواده را ندید.

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: آیدا قجر

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

